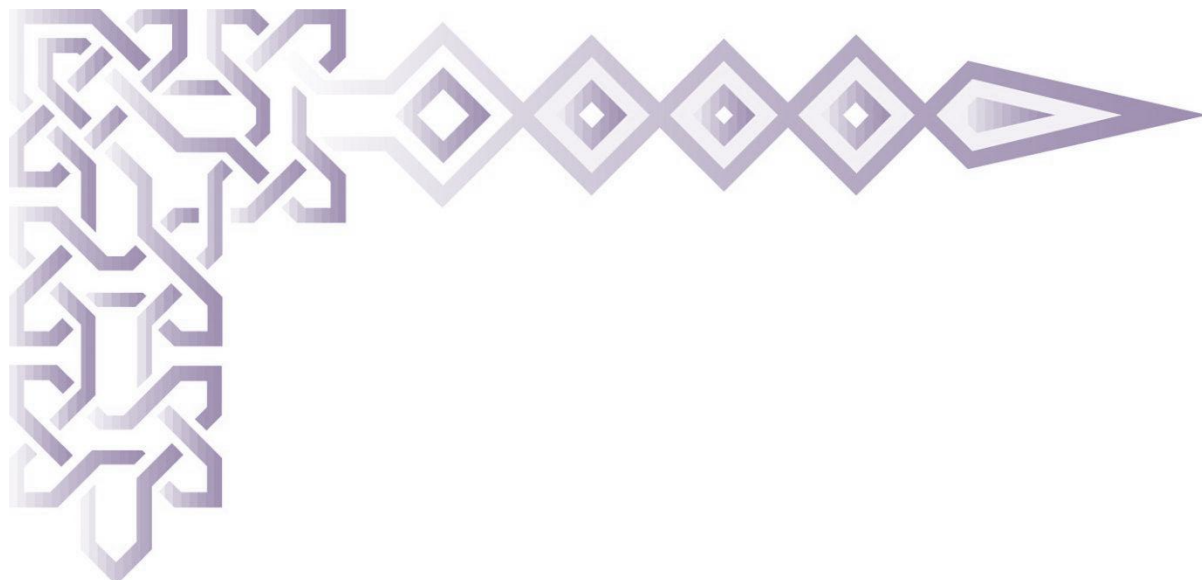




ساماندهی وجوہات

طرح بررسی روش‌های توسعه مدیریت فرآیند دریافت وجوہات شرعی



مهر ۱۳۹۲





مندرجات

◀ وجوه شرعی، مرجعیت و سنت‌ها

توصیفی از جایگاه وجوہات در سازوکار جامعہ شیعی، کارکردهای مرجعیت، ارتباط وجوہات با مرجعیت و سنت‌ها و آدابی که در طی صدها سال شکل گرفته است و استقرار یافته

◀ گذر از سنت به مدرنیته

ضرورت‌هایی که جامعہ شیعی با آن‌ها مواجه شده است برای دست برداشتن از بعضی سنت‌ها و تغییر رویه‌ها و فرآیندها جهت برخورد صحیح با تمدن مدرن جهانی در عصر حاضر

◀ آسیب‌های تغییر نسجیده رویه‌ها

تحلیل روندی که معمولاً در مدرن‌سازی فرآیندها پی گرفته می‌شوند و تبیین تمثیلی آسیب‌هایی که این تغییر به اصل ساختار می‌زند

◀ مناسب‌ترین کاربرد فن‌آوری

تشخیص عناصر اصلی ساختار، آنچه در سنت‌ها جنبه کلیدی دارد و حفظ آن در ساختار تحول‌یافته به طریقی اکّد و عدم صرف‌نظر از این عناصر کلیدی تحت نام فناوری

◀ شبکه پیشرفته ارتباطی: مقلّد، واسطه، نماینده، مرجع

بیان ایده پیشنهادی در توسعه موفقیت، سرعت و دقت ارتباط میان مقلّد و واسطه، یا مقلّد و دفتر نمایندگی در راستای تحویل وجوہات شرعیه به دفتر وجوہات مرجع تقلید

وجوه شرعی، مرجعیت و سنت‌ها

در تاریخ مرجعیت شیعه، از ابتدای پیدایش تا کنون، همواره بخش اقتصادی احکام اسلامی گردش مالی کم و بیش گسترده‌ای را فراهم می‌کرد که به نیابت از ائمه معصومین (علیهم الصلوٰة و السلام) بر عهده فقیه جامع‌الشرایط گذاشته شده بود. از وجوهاتی که پرداخت آن‌ها واجب است، مانند: زکوات و خمس و کفارات و نذورات، گرفته تا پرداخت‌های مستحبی، مانند: صدقات و تبرّعات.

این گردش مالی، مانند سایر رفتارهای شرعی و برنامه‌های دینی، به تدریج و در طول صدها سال سبک و سیاق خاصی برای خود پیدا نموده و شیوه‌هایی را به عنوان مناسب‌ترین، دقیق‌ترین و کارآمدترین و بهترین روش ممکن، برگزیده است. نحوه ارتباط گرفتن پرداخت‌کننده وجه با دریافت‌کننده، نحوه تعاملات طرفین، نقش واسطه‌ها و نمایندگان در انتقال وجوه، همه و همه سالیان سال تست و تجربه شده و روش‌های ناقص و ضعیف و ناتوان جای خود را به بهترین گزینه‌ها داده‌اند.

دقت و خبریّت مراجع عظام تقلید و آثار باقیه رفتار مالی معصومین (علیهم السلام) نیز نقش بسیار مبرّزی در ارتقاء روش‌های انتقال مالی داشته است. حفظ آرمان‌های مکتبی و مکرمت‌های اخلاقی و تأمین نیازمندی‌های مالی جامعه مسلمین به بهترین وجهی که آبروی افراد در آن حفظ شود و احکام شرعی نیز زیر پا گذاشته نشده و حلال و حرام نشود، الزاماتی را پیش‌روی فقها می‌گذاشته است، تا روش‌های مدیریت وجوهات شرعی را به بهترین شیوه ممکن تنظیم و تدقیق نمایند.

این میراث عظیم، ناشی از صدها سال، بلکه هزار سال تلاش همگرایانه و هم‌جهت علمای اعلام و فقهای عظام و مراجع کرام است که امروزه به رایگان در اختیار ماست و نظام مرجعیت به تبعیت از این دستاوردها شیوه تعاملات مالی خود را ترازگون و نظام‌یافته مدیریت می‌نماید و توانسته با حفظ این روش‌ها، نظام مالی شیعه را از دستبرد طرّاران، فریب‌کاران و اشرار در لباس دین حفظ کرده و دور نگهدارد. قطعاً هر جا که بحث از پول باشد، آن هم با این حجم وسیع، جای منافقان و ریاکاران به سرعت باز خواهد شد و اینان برای متاع چند روزه دنیا، دین خود را نیز می‌فروشد، چه برسد به تمام دستگاه مرجعیت.

هر توسعه‌ای در شیوه‌ها و متدهای مدیریت مالی نظام مرجعیت لاجرم باید با حفظ این میراث عظیم باشد.

گذر از سنت به مدرنیته

توطئه ثقیفه شرایطی را برای جامعه اسلامی پدید آورد که علی‌رغم توانمندی‌های شگرف مسلمین در علوم و فرهنگ و اخلاق اسلامی که ناشی از عمق تعالیم وحیانی و تلاش‌های پیوسته رسول مکرّم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و جانشینان به حق ایشان بود، آن را نسبت به تحولات سیاسی به شدت آسیب‌پذیر نماید.

تبدیل خلافت به سلطنت و دست به دست شدن این نظام سلطنت در شجره خبیثه، بستری از ظلم‌های اجتماعی پدید آورد که خیمه یکپارچه امت اسلامی را قابل نفوذ نموده، ستون‌های آن را شکننده کرد. چنین شد که پس از چند صباحی عظمت و تعالی فرهنگی، با چراغ سبز دولت عباسی برای حمله مغول به ایران دارای تمایلات ولایی، بخش معظمی از دانش و فرهنگ اسلامی نابود گشت و از دست رفت. حمله‌ای که در مرزهای مذهب شیعه متوقف نماند و گریبان بغداد را نیز گرفت و چراغ سبز نشان‌دهندگان را نیز سرنگون ساخت.

نابودی میراث علمی مسلمانان در خاورمیانه، هم‌زمان با رونق علوم اسلامی در بخشی از اروپا، اندلس، زمینه‌ای را فراهم کرد، تا غربی‌های غیرمسلمان و حتی ضد اسلام فرصت یابند از دستاوردهای تمدن اسلامی برای رفاه دنیای خویش و توسعه قلمروهای سیاسی و اقتصادی سود جویند. آنچه امروز عصر نوزایی یا رنسانس نامیده می‌شود، دقیقاً دوره‌ای است که کتاب‌سوزی و جنگ‌های خانمان‌سوز در کشورهای اسلامی بخش اعظم علم، دانش، مهارت و حتی اساتذہ فنون را نابود ساخته و سارقان علمی، کتاب‌های اسلامی را به نام خود در بلاد اروپا تجدید چاپ می‌نمایند، با حذف فرازهای مرتبط با دین و فرهنگ اسلام و سنت‌های اختصاصی مسلمانان. نتیجه این‌که جامعه اسلامی با دوران سرایشی بسیار دشواری مواجه شد و در حضيض تمدنی قرار گرفت.

امروز ما با تمدنی در دنیا مواجه هستیم که تحت نام «مدرنیته» یا «پست‌مدرن» و تمام الفاظ این‌چنینی، قصد دارد فرهنگ مادی خود را در قالب علم و دانشی که در دوره ضعف مسلمانان تبویب و تدوین نموده و ارتقاء داده، به خورد ملل مستضعف جهان بدهد. مسلمانان نیز آن چنان مقهور عظمت ظاهری تمدن غرب در دنیای معاصر می‌باشند که پذیرفته‌اند باید از «سنت»‌ها دست شسته و «مدرن» شوند. البته عملاً زندگی در این زمان نیز بدون مدرن شدن کارآمدی ندارد و نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای اجتماعی عصر حاضر باشد. جبری که گزیر ندارد.

تمام این حوادث سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در اعصار متمدنی، فضایی را ایجاد نموده تا جامعه شیعه در چنین مرحله‌ای، از سنت به سوی مدرنیته حرکت نماید، حرکتی که خواه‌ناخواه صورت پذیرفته و قابل مهار نیست.

آسیب‌های تغییر نسنجیده رویه‌ها

تردیدی نیست که در مسیر تغییر، پاره‌ای سنت‌ها و رفتارها تغییر می‌کند، به نسبت‌هایی که یکسان نیست؛ بعضی تغییرات عمده‌تری داشته و بعضی که تنسک و تعصب بر آن‌ها بیشتر باشد، کم‌تر دستخوش تحولات می‌گردند.

تعصبات و تنسکات اگر جاهلانه باشد و پشتوانه علمی نداشته، مانع تحولی می‌شود که کارآمدی دین را در عصر حاضر بالا می‌برد. آنان که بر امور کم‌ارزش پای‌فشاری می‌کنند و از احتمال بروز تغییر در آداب و رسوم که تأثیر مهمی در «دینداری» ندارند برمی‌آشوبند و داد بی‌دادی سر می‌دهند، به شدت مانع گذر دقیق و منظم و هماهنگ از «پل گذار»ند، همان پل که چاره‌ای جز گذشتن از آن وجود ندارد.

آسیب دیگر اما در سوی تفریط است. اگر بر هیچ موضعی از رفتارهای سنتی دینی تعصبی در کار نباشد و بی‌هیچ اصراری اجازه تحول در تمامی ساختارهای فرهنگی جامعه شیعه داده شود، اُس و اساس جامعه اسلامی به خطر می‌افتد و میراث گرانقدر فقها و مراجع که سبب اصلی بقای تفکر و عمل شیعی است از دست می‌رود.

به عنوان مثال، در موضوع وجوهات شرعی، نقش واسطه‌ها غیرقابل اغماض است. اگر با مدرن شدن ابزارهای انتقال وجوه مالی، دفاتر مراجع نیز به سادگی شماره حسابی اعلام نمایند، یا پرداخت آن‌لاینی را ترتیب دهند، طبیعتاً بخشی از واسطه‌گری در امر جمع وجوهات را از میان برداشته‌اند. اگر چه ممکن است در بادئ امر این مطلب مطلوب به نظر رسد، اما با اندکی توجه، عمق آسیبی که از این مسیر نصیب جامعه شیعی می‌شود قابل تأمل است.

پاک شدن اموال مسلمین از حقوق شرعی؛ خمس، زکات، فطریه، نذر، کفاره، ردّ مظالم و... یکی از مؤکدترین نیازمندی‌های هر مسلمانی است که قطعاً در خود او و نسل و تیره او تأثیر می‌گذارد. این امور با توجه به آثار مشهود در زندگی و وجوب اکیدشان بیش از مستحبات مورد رجوع مردم است. حتی انسانی که سال به سال سراخی از مسجد نمی‌گیرد، وقتی بداند با مال مخلوط به حرام حجّ مقبول نیست، یا فسادی که از لقمه حرام نصیب فرزندانش او خواهد شد، تحت فشار قرار می‌گیرد که به سراغ واسطه یا نماینده مرجع خود برود. این ارتباط مقدمه‌ای می‌شود برای روابط بعدی و مداوم با مبلغین و روحانیون.

از سوی دیگر، مردم بیش از اعتماد به نمایندگان دور از دسترس مرجع به کسانی اعتماد دارند که هر روز می‌بینند و پشت سرشان نماز می‌خوانند. مردم به روحانیونی که در میان‌شان زندگی می‌کنند و در همسایگی خانه‌شان، بیشتر اقبال و اعتماد دارند. اگر این واسطه‌ها حذف شوند، اقبال مردم برای پرداخت وجوه شرعی نیز کمتر می‌شود.

اساساً اهتمام طلاب علوم دینی به مسافرت‌های تبلیغی و هجرت هم در بسیاری از موارد از همین مهم نشأت می‌گیرد. اگر چه یک طلبه در هنگام آغاز سفر تبلیغی هیچ نیتی جز خدمت به اسلام و تلاش برای ترویج اعتقادات اسلامی و معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) ندارد، اما آن‌چه او را یاری می‌نماید تا بتواند اهل و عیال را راضی نگهدارد تا مانعی قوی و سد راهی برای فعالیت‌های او نباشند، وعده تأمین مالی است.

حتی آن‌جا که امر انتخاب برای طلبه بسیار دشوار می‌شود تا میان تبلیغ یا تدریس و تحصیل و حتی پژوهش یکی را انتخاب نماید، وقتی پژوهش و مطالعات، آثار باقیه و مبقیه بیشتری فراهم می‌کند، از اعتبار و آبرو و شهرت و حتی خدمت عمیق‌تر به دین، باقیاتی صالحات، نیازمندی‌های روزمره زندگی تشخیص امر اهم را ساده‌تر می‌کند؛ تبلیغ! همین است که مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) نیز در سفر اخیر خود به شهر قم در ارتزاق روحانیت از مردم تأکید داشتند و این‌که رمزی در این مطلب نهفته است که مانع جدایی و فاصله میان روحانیت شیعه از جامعه اسلامی شده.

وقتی مردم به واسطه مراجعه می‌کنند، برای تأدیه دیون شرعی خود، از یک سو مبلغی را طلبه به عنوان کمک‌هزینه از دفتر مرجع دریافت می‌نماید، از دیگر سو، اگر شخص معتبری بوده و سواد و تقوایی به هم‌زده باشد، اجازه خرج بخشی از سهم امام (عج) را که به دست آورده باشد یا توزیع سهم سادات فقیر، یا حتی صرف زکات در مصارف مخصوصه، این نیز خود منفعتی خواهد بود که هم به اعتبار اجتماعی روحانیت در منطقه تبلیغ منجر می‌شود و هم نفوذ کلام و رفتار مبلغ را در قلمرو تبلیغی او مضاعف می‌سازد.

همه این‌ها چون زنجیره‌ای به هم پیوسته، نظامی از رفتارهای دینی ایجاد می‌کند که مبلغ را در ارتباط تنگاتنگ با مردم قرار می‌دهد. ارتباطی که منفعتش برای اسلام بسیار بیشتر است از پولی که ممکن است به نظر برسد در صورت ارتباط آن‌لاین و مستقیم با پرداخت‌کننده، از جیب واسطه کسر شده و به دست دفتر می‌رسد!

مقلدینی که مرجع تقلید را نمی‌بینند جز در رسانه‌ها، دورادور که نمی‌توانند اعتماد به دست آورند، آن‌چه آنان را به سوی مراجع می‌کشاند و هم تقلید را برای‌شان مفهوم می‌کند و هم در انتخاب أعلم دست‌شان را می‌گیرد همین ارتباط تنگاتنگ با طلاب علوم دینی و مبلغین عزیز است. از این منظر، مبلغ تنها یک واسطه در انتقال وجوه شرعی نیست که مثلاً - به زعم ساده‌لوحانه - پورسانتی به وی داده می‌شود برای تأدیه دیون شرعی که اگر داده نشود «چه بهتری» گفته شود و مطلب تمام گردد. مبلغ درگاه و پورتال ارتباط جامعه اسلامی با دفاتر مرجع تقلید است. اوست که مردم را با آخرین دستاوردهای علمی مرجع در قالب نظریات فقهی و استفتائات شرعی و دیدگاه‌های ناب اعتقادی و اخلاقی آشنا می‌سازد و آگاهی‌های مورد نیاز را به جامعه اشراپ می‌نماید.

به نظر می‌رسد واسطه‌گری در امر پرداخت وجوهات شرعی بخشی از سامانه پیچیده و در عین حال قدرتمند مدیریت جامعه شیعی است که از سالیانی دور و دراز نظم و نسق یافته و ترویج گشته است. آسیب‌زدن به این اصل مهم و تغییر روش‌ها و متدهای تجمیع وجوهات بی‌تردید بخشی از سامانه مذکور را دچار آسیب می‌نماید و کار را بدان‌جا خواهد کشاند که مشابه «پروتستانیزم» نافی «کاتولیسیسم»، نقش روحانیت در ارتقاء معنوی جامعه به بهانه «نفی واسطه‌گری میان بنده و خدا» نادیده انگاشته شده و خدای ناکرده بر اسلام عزیز آن خواهد رفت که بر امم و اقوام گذشته رفته است.

مهم‌ترین آسیب پیش‌روی ما در گذر از روش‌های سنتی تأدیه وجوهات به روش‌های مدرن، نادیده‌انگاشتن سازوکارهای مرسوم در این امر و کارآمدی‌های خاص آن‌هاست. از این رو، باید در این تغییرات، تعصبی معقول بر پاره‌ای از سنت‌های نظام مرجعیت شکل بگیرد، تعصبی که مانع خراب شدن این ابزار اجتماعی قدرتمند شود.

مناسب‌ترین کاربرد فن‌آوری

اساساً مناسب‌ترین کارآمدی و سودمندی فن‌آوری چیست؟! مدرن شدن امروز به معنای انتفاع از ابزارهایی است که تکنولوژی‌های مدرن و فن‌آوری‌های پیشرفته عصر حاضر فراهم آورده است. این فن‌آوری‌ها چه خدمتی به بشر می‌کنند که استفاده از آن‌ها و به‌کارگیری‌شان را توجیه‌پذیر می‌نماید؟!

فن‌آوری در حقیقت شگردهای به‌کارگیری ابزارها در حل مسائل و مشکلات زندگی بشر است. اما در جوامع مدرن، همراه با صنعتی شدن، در سده‌های اخیر، فن‌آوری عموماً منطبق بر فرآیندهای نوین صنعتی موجود و پیشین می‌شود که مبتنی بر اصول علمی و اکتشافات جدید، درصدد افزایش بهره‌وری در تولید کالا یا خدمات است.

بنابراین هر جا که سخن از فن‌آوری به میان می‌آید، غرض تدارک کردن ابزارها به شیوه‌ای است که بتواند روندهای سنتی و موجود را به نحوی مکانیزه و مدرن و مبتنی بر اکتشافات و اختراعات جدید نماید که راندمان آن فرآیند بیشتر شود و نتیجه بهتر و برتری عاید نماید.

این نتیجه برتر گاهی افزایش سرعت است، گاهی افزایش دقت، گاهی افزایش تأثیر، گاهی افزایش امنیت، گاهی افزایش کیفیت و گاهی نیز افزایش وسعت عملیاتی و گستره پوشش و فراگیری. در هر صورت فن‌آوری‌های مورد استفاده در یک فرآیند کاملاً تابع نتیجه‌ای است که مطلوب می‌باشد.

از این رو، در به‌کارگیری فن‌آوری کاملاً باید به غایت نظر نمود. اگر ارتقاء و تکامل نتیجه به افزایش سرعت باشد، فن‌آوری‌ها باید برای سرعت به کار گرفته شوند، اما اگر تکامل نتیجه و حصول مطلوب غایت محتاج افزایش تأثیرگذاری در مخاطب یا افزایش گستره عمل تلقی گردد، قطعاً فن‌آوری‌های افزایش سرعت به کار نمی‌آیند و باید در جستجوی استفاده از فن‌آوری‌های متناسب با آن بود.

استفاده از فن‌آوری، با توجه به تعریف آن، کاملاً وابسته به روند موضوع است، پروسه‌ای که فن‌آوری قرار است بر آن سوار شود، تا آن حرکت بر بستر فن‌آوری مذکور توانمندی مضاعفی در تحصیل غایت به دست آورد.

در موضوع مورد نظر، تحصیل و تأدیه وجوهات شرعی، قطعاً همه عناصر ذکر شده حضور دارند؛ سرعت، دقت، تأثیر، امنیت، کیفیت، گستره عملیاتی و فراگیری، اما مهم‌ترین نقش را «تأثیرگذاری» واسطه‌ها دارد که نباید مغفول بماند و فدای سرعت و امنیت گردد.

شبکه پیشرفته ارتباطی: مقلد، واسطه، نماینده، مرجع

اصول راهبردی

پیش از آن که به یک ایده کامل جهت ساماندهی گردش کار وجوهات شرعی بر مبنای فن آوری های نوین دست یابیم، ابتدا باید بر اساس مقدمات ذکر شده اصولی را قوام کار خود نماییم که چون علائم راهنمایی مانع انحراف ما از مسیری گردند که درصدد طی کردن آن می باشیم. این اصول را پایه های طراحی ایده قرار می دهیم.

- **اصل اول:** نقش واسطه ها در دریافت و انتقال وجوهات بایستی پررنگ تر شود.
- **اصل دوم:** فن آوری مورد نظر باید اقبال عمومی برای پرداخت وجوهات را افزایش دهد.
- **اصل سوم:** پرداخت وجوهات ساده تر و سریع تر شود.
- **اصل چهارم:** حفظ آبروی افراد و مراعات مکرمات های اخلاقی مطمح نظر قرار گیرد.
- **اصل پنجم:** دامنه و گستره جغرافیایی پرداخت کنندگان وجوهات توسعه یابد.

ایده ای که برای طراحی سامانه مدیریت وجوهات بر بستر فن آوری اطلاعات خلق می شود، باید اصول فوق را محور خود قرار دهد و تمامی سازوکارها را جهت حرکت به سوی تعیین شده هماهنگ نماید.

ایده های محوری

هنگامی که به اصول ذکر شده نظر می افکنیم و در تلاش برای طراحی یک سامانه هستیم، عناصری به ذهن می آیند که به صورت تفکیکی و جدا از هم در ردیف های ذیل قابل ذکر و توجه هستند:

۱. روشی را پیدا کنیم که بتوانیم واسطه ها را به سرعت به مقلدین برسانیم، به وجهی که تا مقلد اراده پرداخت مالی دیون شرعی نمود، به سرعت بتواند دسترسی به نزدیک ترین واسطه یا نماینده شرعی یا دفتر مرجع داشته باشد.

۲. برای حفظ شئون اخلاقی، نباید واسطه را به سوی مقلد بفرستیم، تا درخواست دیون شرعی نماید. باید سازوکار به نحوی باشد که مقلد طی طریق نماید، ولو اندک، تا به واسطه دست یابد. اگر واسطه به سراغ مقلد رود، هم احترام خودش را شکسته و هم مقلد را در مضیقه و فشار پرداخت قرار داده. بدهی شرعی باید کاملاً از روی میل و اراده مقلد پرداخت شود.

۳. اگر مقلد بداند وجهی که به عنوان دین شرعی پرداخت می شود برای چه موضوعی مصرف می گردد، اقبال بیشتری برای پرداخت دیون خود دارد.

۴. دلیل این که «وقف» جذابیت بیشتری در نزد مردم دارد، عینی بودن آن است. این که می‌توانند هر شب به مسجد محل بروند و مثلاً قالی‌ای را که وقف نموده‌اند مشاهده کنند. حتی اگر بحث تفاخر نباشد و به کسی تنبّه ندهند، به زبان هم اگر نیاورند، همین که در نظر خود واقف می‌آید و استفاده آن را مشاهده می‌کند، انگیزه پیدا می‌کند برای وقف‌های بعدی.
۵. اگر بشود تمامی یا بیشتر مصارفی که از وجوهات شرعی در دفتر مرجع تقلید می‌شود را ارائه نمود، مثلاً در قالب یک فهرست از پروژه‌های مسجدسازی، بیمارستان‌سازی، مدرسه‌سازی و... با ذکر رقم و مبلغ دقیق پروژه و میزان پیشرفت کار، قطعاً تأثیر بیشتری در اقبال مقلّد برای پرداخت وجوهات خواهد داشت.
۶. اگر امکانی فراهم شود که مقلّد دقیقاً بفهمد که وجه او در چه امری مورد استفاده قرار گرفته است، بالاتر از آن، اگر بتواند مصرف وجه را نیز پیشنهاد نماید، تأثیر فراوانی در اقبال او خواهد نهاد. اگر چه مقلّد در مسأله وجوهات شرعی، در اکثر موارد، اجازه و حقی ندارد تا مورد مصرف معین نماید، ولی به عنوان پیشنهاد، مثلاً بتواند یکی از پروژه‌های در حال ساخت را برگزیند و وجه خود را در آن ثبت نماید، یا مثلاً اعلام نماید علاقه دارد تا این وجه به مصرف طلاب علوم دینی برسد.
۷. می‌شود معلوم کرد که وجه هر مقلّد پس از پرداخت به چه مصرفی رسیده است. اگر چه این مطلب از نظر فیزیکی و عینی ممکن نیست، زیرا بیشتر مبالغ در یک خزانه اصلی ریخته شده، مانند یک حوضچه و سپس از آن برداشت می‌گردد و یقیناً سهم هر مقلّد در تمام پروژه‌ها به صورت مشاع است. اما می‌توان برنامه‌ای طراحی کرد که به صورت اتفاقی بر اساس مبلغ پروژه‌ها، هر وجه پرداختی را به یک پروژه تخصیص بزنند. بدین ترتیب وقتی مقلّد وارد سامانه می‌شود، پس از این که برای او توضیح می‌دهد که شما به صورت مشاع در تمامی فعالیت‌ها سهیم می‌باشید، ولی به صورت مشخص می‌گوید که مثلاً ۳ درصد از پروژه ساخت مسجد فلان با استفاده از وجه پرداختی شما به انجام رسید!
۸. استفاده از روش‌های ارسال پیامک، ایمیل و همچنین قبوض پرداخت به صورت پستی برای مقلّد نقش مؤثری در افزایش رضایتمندی او دارد.
۹. شماره تلفن مستقیم و ساده‌ای برای تمام کشور وجود داشته باشد که مقلّد با یک تماس بتواند هر مطلبی را که در نظر دارد برای پرداخت وجوهات مورد مشاوره قرار دهد، مثلاً مبلغ کفاره یا فطره را بپرسد، یا برای محاسبه خمس و زکات مشورت بگیرد. همین تلفن هم بتواند او را به نزدیک‌ترین واسطه راهنمایی نماید.
۱۰. اگر قرار است وجهی به واسطه پرداخت گردد که احتیاجات مالی او را مرتفع نماید، دستی به او داده نشود، تا شأن و موقعیت و آبروی او را تحت الشعاع قرار ندهد و بعضی افرادی که شاهد ماجرا هستند نپندارند: «طلبه وجوهات را منتقل می‌نماید تا پورسانت بگیرد!» برای این که این توهم ایجاد نشود، توهمی که گاهی سبب می‌شود بعضی از طلاب نسبت به دریافت وجوهات حساس شده و از آن بگریزند، بهتر است پس از انتقال وجه به دفتر مرجع، به صورت خودکار مبلغی به عنوان کمک‌هزینه زندگی به حساب بانکی طلبه واریز گردد.
۱۱. برای گسترش جغرافیایی مقلّدین خوب است مبلغ کمک‌هزینه را برای اماکنی که کمتر طلبه‌ها رغبت حضور در آن مناطق را دارند، به جهت صعب‌العبور بودن، یا فرهنگ مذهبی پایین، یا امکانات کم زندگی، افزایش دهیم. انگیزه‌ها بدین ترتیب برای حضور در مناطق کم‌رهر و بیشتر می‌شود و خدمات تبلیغی در آن مناطق نیز افزایش می‌یابد.
۱۲. برای گسترش جغرافیایی می‌توان سفرهای غیرتبلیغی مبلغ را نیز پوشش داد. به این نحو که اگر مثلاً طلبه برای دیدار خویش و قوم به سفری می‌رود و بنا دارد چند روز در آن منطقه بماند، یک پیامک ارسال نماید یا تماسی تلفنی با اپراتور، بگوید: «در فلان نشانی هستم تا سه روز مثلاً». این وارد سامانه شود و در این سه روز اگر کسی از آن منطقه تماس گرفت برای پرداخت وجوهات، نشانی محل اقامت طلبه به او داده شود. به این ترتیب نفس حضور طلبه در هر منطقه‌ای می‌تواند مایه استفاده جامعه از او شود و منحصر در سفرهای تبلیغی رسمی نگردد.

۱۳. طلبه‌ها امروز هم دارای رتبه‌هایی هستند، از این منظر که بعضی دارای اجازاتی می‌باشند برای مصرف سهم امام (عج) مثلاً در موضوعی خاص یا عام. انواع اجازات وجود دارد که اگر این اجازات در سامانه ثبت شود، مقلّد می‌فهمد اگر وجه خود را به فلان واسطه برساند، خرج در مسجد محل خودشان می‌شود، یا به فقرای سادات شهر خودشان می‌رسد. این امر در افزایش اقبال عمومی تأثیر فراوان دارد، وقتی مردم شهر تأثیر مستقیم وجوهات در محیط زندگی خود را مشاهده نمایند.

۱۴. بعضی طلبه‌ها هم رتبه پایین‌تری دارند و توان محاسباتی برای خمس و زکات در آن‌ها قابل اعتماد نیست. اگر سامانه تشخیص داد طلبه حاضر در محل در چنین رتبه‌ای است، مقلّد را راهنمایی اولیه می‌نماید، تا مثلاً مبلغ دقیق خمس تعیین شود تلفنی، بعد نشانی طلبه را به مقلّد می‌دهد و یک پیامک نیز برای طلبه ارسال می‌کند که: «فلان مبلغ توسط فلانی به شما تحویل خواهد شد که به دفتر بیاورید». بدین ترتیب مقلّد هم می‌داند محاسبه اصلی در مرکز انجام شده و طلبه تنها منتقل‌کننده وجه است و تأثیری در تعیین مبلغ ندارد. خصوصاً اگر طلبه بسیار جوانی باشد و محاسن و ظاهر حال او نتواند جلب اعتماد مقلّدین را بنماید.

۱۵. با توجه به این‌که برای این کار نیاز به اطلاعات مبلغین داریم، باید سازوکاری فراهم شود که خود طلاب بیایند و در سامانه ثبت نام کنند. در یک مرحله ارزیابی شرکت جسته و پس از تأیید صلاحیت از خدمات ارتباط با مقلّد به صورت خودکار بهره‌مند گردند.

اجمال ایده پیشنهادی

در ضمن آن‌چه بیان شد، تقریباً اکنون روشن شده است که با چه فضایی روبه‌برو هستیم و چه سامانه‌ای را می‌خواهیم پیشنهاد کرده و طراحی نماییم. اما در انتهای این نوشتار، یک‌بار دیگر به صورت کاملاً خلاصه طرح ایده را بیان می‌کنیم تا به صورتی منسجم در نظر ثبت گردد.

راه‌اندازی اولیه سامانه

یک سامانه نرم‌افزاری تهیه می‌گردد و تعدادی طلبه آموزش‌دیده به عنوان اپراتور آن جذب می‌شوند. یک شماره تلفن اعلام عمومی می‌شود برای سامانه وجوهات دفتر، یا مثلاً برای تمامی خدمات دفتر مرجع. طلبه‌ها نیز نام‌نویسی کرده و تأیید اعتبار شده‌اند.

جانمایی واسطه

طلبه برای تبلیغ رفته است، شاید هم برای سفر غیرتبلیغی، اصلاً رفته است خانه پدر و مادر که بماند دو هفته‌ای. یک پیامک ارسال می‌نماید به اپراتور: «ایلام، خ فلان، ک بهمان، پ چند. دو هفته». اپراتور فوری این نشانی را در سامانه ثبت می‌کند و زمان را دو هفته می‌زند. از روی شماره موبایل هم سامانه تعیین می‌کند این واسطه کیست و چه رتبه‌ای دارد.

تماس از سوی مقلّد

مقلّد تلفن را بر می‌دارد و تماس می‌گیرد. اپراتور دقیقاً به حرف‌های او گوش می‌کند و راهنمایی می‌نماید. در نهایت وقتی که قرار شد مبلغ دین شرعی را بپردازد...

واسطه‌یابی و معرفی

اپراتور نشانی مقلّد را می‌پرسد و در نقشه جانمایی می‌نماید، بلافاصله نقاطی رنگی روی نقشه نمایان می‌شود و نزدیک‌ترین واسطه‌ای که می‌تواند آن کارویژه را به انجام برساند معرفی می‌کند. اپراتور نشانی را به مقلّد می‌دهد. ممکن است کار با واسطه حل نشود و نیاز به دفتر باشد، نشانی تمامی دفاتر با رنگی متمایز در نقشه دیده می‌شود.

اطلاع به واسطه

سامانه به صورت خودکار پیامکی را برای واسطه ارسال می‌نماید که فلان شخص تا فلان زمان به شما مراجعه خواهد کرد و فلان مبلغ را به عنوان فلان دین شرعی به شما پرداخت خواهد نمود.

انتقال به دفتر

پس از آن‌که طلبه از سفر بازگشت، وجه را به دفتر منتقل می‌سازد، در سامانه ثبت می‌گردد و می‌رود. هیچ مبلغی به صورت حضوری به واسطه داده نمی‌شود.

اطلاع به مقلد

همان لحظه یک پیامک برای مقلد ارسال می‌شود و به او اطلاع می‌دهد که فلان مقدار وجهی که پرداخت کرده‌اید در فلان تاریخ به فلان واسطه، همین الآن وصول شد و به دفتر مرجع رسید. سپس پرینت قبض هم به صورت پستی به نشانی مقلد ارسال می‌گردد.

پرداخت کمک‌هزینه

به صورت خودکار توسط سامانه مبلغی به حساب بانکی واسطه ریخته می‌شود، تا به عنوان یکی از مصارف وجوهات شرعی پرداخت شده باشد. مانند: زکات که یکی از مصارف آن در حق عوامل جمع‌آوری‌کننده زکوات است.

بیان و تراز مالی

سامانه می‌تواند انواع گزارشات نهایی را به دفتر مرجع ارائه نماید که معین می‌کند چه مقدار وجه از چه طرقی تحصیل شده و چه مقدار از آن و از چه طرقی در همین مسیر تحصیل مصرف گشته است. چه تعداد طلبه به عنوان واسطه همکاری داشته‌اند و نقش هر طلبه به صورت عددی چند ریال بوده است. هر منطقه جغرافیایی چند تماس موفق و غیرموفق داشته و چه مبلغی را پرداخت نموده است.

در نهایت از همین گزارشات می‌توان برای بهینه‌سازی سامانه در آینده نزدیک استفاده نمود و با چنین اطلاعاتی دید وسیع‌تری نسبت به وضعیت جامعه شیعه پیدا کرد.

آن‌چه ذکر شد اجمالی از ایده پیشنهادی بود. قطعاً تهیه طرح تفصیلی و تبیین تمامی ریزه‌کاری‌های فنی طرح محتاج مطالعات و تفکرات بیشتر و رایزنی‌ها و مشورت‌های مفصل‌تر است که لازم است پس از تصویب طرح اولیه، برای آن موارد هزینه شده و طرح تفصیلی نگارش یابد.

آینده به سرعت حال می‌شود، به همان سرعتی که حال گذشت. مهار کردن زمان و مصرف آن در توسعه ایمان، سرعت در چیرگی بر امکانات و ابزارهای هر عصر می‌خواهد و این مهم جز با ایمان و توکل به خدای متعال و همّت و تلاش در جهت تبدیل این ایمان و اعتقاد به عمل صالح به چنگ نیاید.

امید که تلاش برای تهیه این مختصر، با همه ضعف‌ها و نواقصش، ذخیره آخرت برای نگارنده این سطور محسوب گردد و مانع و سپری برای آتش جهنم، آمین. ح

سیدمهدی موسوی موشح

قم المقدسه - ۲۳ ذی‌القعدة سنه ۱۴۳۴